



بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی در استان سیستان و بلوچستان (بررسی موردی: شهر زاهدان، خاش و سراوان)

حمید گمشادزهی^۱

چکیده

افزایش مشارکت سیاسی، دغدغهی هر نظام سیاسی است. شناسایی عوامل تأثیرگذار بر افزایش مشارکت از مهمترین راهکارها برای مدیریت و افزایش مشارکت مردم در انتخابات می‌باشد. در این پژوهش عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی در استان سیستان و بلوچستان (سه شهر زاهدان، خاش و سراوان) بررسی می‌شود. روش این پژوهش پیمایشی است. روش گردآوری اطلاعات میدانی بوده و از ابزار پرسشنامه استفاده گردیده است. جامعه‌ی آماری پژوهش مشارکت کنندگان انتخاباتی سیستان و بلوچستان می‌باشند و از فرمول کوکران برای تعیین نمونه‌ی آماری استفاده شد و نمونه‌گیری به شیوه‌ی تصادفی ساده صورت پذیرفت. با توجه به جامعه‌ی آماری نامحدود تعداد نمونه‌ی آماری ۳۸۴ نفر انتخاب شد. برای تجزیه و تحلیل در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل صورت گرفت. در نهایت نتایج نشان داد که در سه شهر زاهدان، خاش و سراوان، عوامل مذهبی، قومی و طایفه‌ای بر مشارکت سیاسی در استان سیستان و بلوچستان تأثیرگذار می‌باشند.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، سیستان و بلوچستان، عوامل قومی، عوامل نژادی، عوامل مذهبی

شماره

(۲۵)۲

سال ۹

تابستان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۳/۱۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۴/۲۰

صص: ۱-۱۶



DOI: 10.2783.4999/PRIW.2306.1255.2.25.1

مقدمه

مشارکت مردم در تمامی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، امری است که امروزه در تمامی جوامع پذیرفته شده است و روزبه‌روز نیز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. این اهمیت اصولاً از آن‌جا ناشی می‌شود که اولاً مشارکت یک حق انسانی است که به لحاظ غایت به آزادسازی و اعتماد انسان‌ها به خویشان منجر می‌شود و ثانیاً از نظر ابزاری و در کلیت آن به بسیج و نقش‌آفرینی توده‌های انسانی در فرآیند عملی حیات اجتماعی و حرکت رو به جلوی جامعه منجر می‌گردد (مقصودی، ۱۳۸۵: ۲۱).

مشارکت مردمی می‌تواند به مثابه مؤثرترین و مناسب‌ترین پشتوانه برای حل و فصل معضلات و بحران‌های سیاسی-اجتماعی و امنیتی استفاده شود و هر دولتی که بتواند جلوه‌های بیشتری از همکاری و همدلی توده‌های مردمی را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و به خصوص در دفاع از کشور و حکومت در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی جلب نماید، می‌تواند در جامعه بین‌المللی از اعتبار، شخصیت و موقعیت رفیع‌تری برخوردار گردد (شعبانی، ۱۳۸۰: ۴).

انتخابات پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی است که در نهایت برون‌دادی سیاسی دارد و یکی از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده نظام‌های مردم‌سالار و بخش جدایی‌ناپذیر دموکراسی به شمار می‌آید. رقابت در انتخابات، عمده‌ترین ابزاری است که مقامات دولتی را ناگزیر به پاسخگویی در مقابل مردم و پذیرش به نظارت آن‌ها می‌کند. در حالی که انتخابات نوعی سنجش در سطح نمایان جامعه است، برآیند گرایش‌های نهفته در عمق جامعه نیز تلقی می‌شود. درک، دریافت و چاره‌اندیشی، پاسخگویی و راهبری این گرایش‌ها و مطالبات پنهان از عقلانیت، ظرفیت‌پذیری و توسعه سیاسی و پای‌بندی به قواعد و موازین پیکار سیاسی مسالمت‌آمیز و درون نظام محسوب می‌شود (مقصودی، ۱۳۸۵). آنچه نقش تعیین‌کننده در نتایج انتخابات دارد، رفتار انتخاباتی شهروندان است که به‌عنوان کنشی سیاسی در فرهنگ جامعه ریشه دارد و فرهنگ سیاسی هر جامعه‌ای برپایه فرهنگ عمومی آن شکل می‌گیرد؛ بنابراین در بررسی و تحلیل رفتار انتخاباتی، نقش عوامل فرهنگی و ساختارهای اجتماعی اهمیت بسیار دارد (بصیری، ۲۳۰). بررسی ساختار قومیتی جامعه ایران نیز نشان‌دهنده مجموعه متنوع و ناهمگونی از اقوام مختلف است که این تنوع قومی همراه با تفاوت‌های مذهبی، زبانی، فرهنگی دیده می‌شود.

از آنجایی که هدف این مقاله بررسی استان سیستان و بلوچستان است، می‌توان اذعان کرد که این استان نیز براساس مذهب و قومیت و فرهنگ مردمان در نظر گرفته شده است؛ هرچند قوم بلوچ بخشی از هویت قومی این استان است، اما الگوی مشارکت سیاسی کل این استان از یک شاخص فراگیر در کل آن حکایت دارد. از این توضیحات دیدگاهی کلی برمی‌آید که هویت قومی، امری سیال است و بسته به زمینه تحلیل، معیارهای آن تغییر می‌کند. سیستان و بلوچستان از جمله استانی است که بیشتر ساکنان آن «سنی و حنفی مذهب» هستند. مبنای خواست‌های قومی استان، تفاوت مذهبی است. بلوچ‌ها به لحاظ قومی خود را ایرانی و از نژاد آریایی می‌دانند و قوم فارس را «دیگری» نمی‌پندارند. قوم بلوچ تا قبل از سال ۷۶ مشارکت سیاسی منفعل و حداقلی داشته‌اند؛ اما به تدریج مشارکتشان در رویدادهای سیاسی بیشتر شد.

مردم استان سیستان و بلوچستان از قومیت‌های سیستانی و بلوچ می‌باشد که سیستانی‌ها به زبان فارسی با لهجه سیستانی حرف می‌زنند و پیرو دین اسلام با مذهب تشیع می‌باشند و بلوچ‌ها به زبان بلوچی صحبت می‌کنند و پیرو اسلام و مذهب تسنن می‌باشند. همه مردم بومی شهرستان سراوان بلوچ بوده و زبان آن و بخش‌های تابعه، زبان بلوچی می‌باشد. در مورد زاهدان نیز می‌توان بیان داشت اکثر مردم این شهر با توجه به قومیت‌هایی که در آن ساکن شده‌اند از نژاد آریایی و طایفه بلوچ بوده، دارای دین اسلام و مذهب شیعه و سنی می‌باشند. همچنین مردم شهرستان خاش به زبان‌های بلوچی-سرحدی، بلوچی-مکرانی و فارسی تکلم می‌کنند و زبان فارسی در مدارس و ادارات دولتی رایج است. این در حالی است که ۹۹ درصد جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند که ۹۵٪ اهل سنت و ۴٪ اهل تشیع می‌باشند.

بررسی پژوهش‌های مختلف درباره نقش تنوع‌های قومی-زبانی و دینی در روندهای سیاسی اجتماعی کشورها، نشان می‌دهد ریشه بسیاری از چالش‌های موجود در این کشورها و یکی از تعیین‌کننده‌ترین شرط‌های مؤثر بر رفتارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، مسأله قومیت است. یکی از حوزه‌های تأثیرپذیر از تنوع‌های قومی، رفتارهای انتخاباتی شهروندان کشورهای مختلف است. این امر به‌ویژه در کشورهای دموکراتیک یا نیمه‌دموکراتیک مشهودتر است که انتخابات در آن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در اداره امور جامعه و گردش‌نخبگان حاکم ایفا می‌کند. از این‌رو مسأله قومیت یکی از کانون‌های توجه در عرصه رقابت‌های انتخابی و یکی از عناصر مورد استفاده نخبگان و

احزاب سیاسی در مبارزات انتخاباتی است که با تأثیر بر الگوهای رأی‌دهی اقوام می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در نتایج انتخابات داشته باشد. بر این اساس هدف از پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی در استان سیستان و بلوچستان (سه شهر زاهدان، خاش و سراوان) می‌باشد.

۱ - پیشینه پژوهش

برزگر و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان نقش سیاست‌های قومی و مذهبی در مشارکت اقوام در امنیت، توسعه همه‌جانبه و همگرایی با تأکید بر ترکمن‌های شمال و شمال شرق ایران، بیان داشتند که تشویق اقوام ایرانی به حذف ناسیونالیسم افراطی قومی و نهادسازی سازمانی، بستری برای مشارکت نظام‌مند در متن نظام سیاسی فراهم می‌سازند و از طرف دیگر چنانچه احساس هویت متفاوت در کنار احساس محرومیت‌های سیاسی-اجتماعی قرار گیرد، می‌تواند موجب عوارض امنیتی در کشور باشد.

صمدی و شاه‌محمدی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان مطالعه رابطه بین میزان هویت‌پذیری قومی و مشارکت‌پذیری سیاسی با مصرف رسانه‌ای شهروندان ارومیه، بیان داشتند که بین میزان هویت-پذیری قومی و مشارکت‌پذیری سیاسی با مصرف رسانه‌ای رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد. اکبری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان نقش قومیت در رفتار انتخاباتی اجتماعات چندقومیتی (مورد مطالعه: شهرستان بجنورد)، بیان داشتند که متغیرهای احساس نابرابری اجتماعی، مصرف رسانه‌ای، رضایت اجتماعی و احساس مشروعیت نظام سیاسی به‌همراه میزان تعاملات با سایر اقوام با تأثیر بر هویت قومی و درنهایت شکل‌گیری مطالبات قومی بر الگوی رأی‌دهی قومی تأثیر می‌گذارند.

کریم‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان موانع مشارکت زنان بلوچ در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، بیان داشتند که ساختار فرهنگی، ساختار اجتماعی، موانع اقتصادی، موانع قانونی و موانع آموزشی در پایین بودن مشارکت زنان بلوچ نقش دارد. بر طبق نظر پاسخ‌دهندگان موانع اقتصادی و ساختار اجتماعی بیشترین و موانع آموزشی دارای کمترین نقش بر میزان مشارکت زنان بلوچ در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی هستند.

موسوی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر سیاست‌های قومی و مشارکت سیاسی اقوام ایرانی با تأکید بر جامعه کُرد ایران، بیان داشتند که علت تأثیر وجهه تمایز بخشی در تقلیل مشارکت سیاسی گُردها، احساس در اقلیت بودن، عدم تأثیر در تصمیم‌گیری‌های محلی، نظارت ملی و عدم دخالت در اجرائیات، عدم اطمینان به دولت، احساس عدم برابری در مقابل قانون و... است؛ بنابراین در تحلیل مشارکت سیاسی برای گُردها قومیت تمایز بخشی خود را در تقلیل مشارکت در پاره‌ای از دوره‌های انتخاباتی نشان داده است.

معمار (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان آسیب‌شناسی مشارکت سیاسی در خاستگاه‌های انقلاب اسلامی، بیان داشتند که این مقاله، حاصل پژوهشی است تجربی، جهت بررسی نسبت میان مشارکت سلبی (انقلابی) برای تأسیس و مشارکت اثباتی (انتخاباتی) برای تثبیت و تداوم نظام جمهوری اسلامی. هدف مذکور در یک مطالعه اسنادی و به‌روش تطبیقی درون‌کشوری با واحد تحلیل شهرستان، به‌عنوان ظرف اصلی وقایع انقلابی و نیز مشارکت انتخاباتی، با طرح تحقیق مقطعی از طریق بررسی مبارزات مردمی در ۱۸ ماه مختوم به پیروزی انقلاب برای ارزیابی مشارکت انقلابی و مقطع ۱۳۸۴-۱۳۶۸ برای ارزیابی مشارکت انتخاباتی پیگیری شده است. نهایتاً نتایج تحقیق با تکیه بر تکنیک‌های آماری، به‌صورت تحلیل‌های استاتیک و دینامیک گزارش و تشریح شده است.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- مشارکت سیاسی

بحث ابزارها و شیوه‌های مشارکت سیاسی از ابعاد مهم موضوع مشارکت سیاسی در تاریخ اندیشه سیاسی و شاید مهمترین بحث در تاریخ معاصر باشد. و امروزه از دغدغه‌های مهم جوامعی است که در حال گذر به شیوه نوینی از زندگی سیاسی می‌باشند. مشارکت سیاسی دارای تعابیر و برداشت‌های مختلفی بوده است و با توجه به علایق، مصالح و منافع حاکمان دچار قبض و بسط مفهومی مداومی شده و همواره نگرش‌های مثبت و منفی بسیاری در نتایج و پیامدهای آن ابراز گردیده است. از این‌رو مشارکت شهروندان در پهنه جغرافیایی قومی و هدایت آن به سوی هویت ملی امکان حضور افراد و اقوام در بخش‌های مختلف جامعه را فراهم و ثبات سیاسی و توسعه یافتگی را به دنبال داشته است، به نحوی که ارتباطات اجتماعی را در ساختار سیاسی تسهیل و بستر مشارکت گروه‌های قومی را در

تصمیم‌گیری‌های سیاسی کشور، فراهم نموده است. اینکه قومی در مرکز کشور متمرکز شده یا در حاشیه قرار دارد، آثار یا تبعات متفاوتی دارد. در چنین کشورهایی ایجاد همبستگی ملی و یکپارچگی سیاسی بین عناصر تشکیل دهنده ملی یک امر ضروری تلقی می‌شود (محرابی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱).

مفهوم کانونی مطالعه حاضر «مشارکت سیاسی» است که همواره یکی از مفاهیم بنیادی و اصلی در مطالعات جامعه‌شناسانه پدیده‌های سیاسی بوده است. تصویری که پیش از این راجع به مشارکت سیاسی وجود داشت، گویای ارتباط نزدیکی بین مفهوم مشارکت و دموکراسی بود و تقریباً به‌طور کامل در چهارچوب‌های دموکراتیک ترسیم می‌شد. در این تلقی، مشارکت واقعی به معنی جریانی منظم و کنترل شده است که ممکن است گاهی از کنترل خارج شود. اعتراضات گسترده و بیش از هر چیز خشونت سیاسی، بازتاب نبود یا ناکارایی نهادها و فراگردهای مشارکت است. در واقع اعتراض، نقطه‌مقابل مشارکت است. مشارکت، خواه برای شهروندان و خواه برای سیستم‌ها، امری مطلوب به‌شمار می‌رود. اما تصویر جانشین درباره مشارکت، ناشی از تلاش برای شمولیت بیشتر و نیز ادغام اعتراض در نظام‌های دموکراتیک با الگوهای سنتی تری از مشارکت است. در این تصویر، مشارکت به معنی تلاش‌های مردم عادی در هر نوع نظام سیاسی، جهت نفوذ بر کارهای حاکمان خود و گاهی تغییر دادن آنان است. در تصویر دوم، مشارکت می‌تواند از گفتگوهای مدنی شروع شده و تا رأی‌دهی سازماندهی شده و سرانجام شورشی آشوب‌برانگیز برسد. این تصویر از مشارکت از لحاظ هنجاری، خنثی است. مشارکت می‌تواند در این حالت، خوب یا بد، یا هر دوی آنها باشد و این امر، به ارزشی که شخص می‌خواهد بدان بیشترین ارج را بدهد و نیز شرایط تحقق مشارکت، بستگی خواهد داشت (نلسون، ۱۳۷۹: ۱۳۹)؛ بنابراین به‌طور خلاصه، تعبیر و تلقی اول از مشارکت سیاسی، مبین تصویری سنتی و ابتدایی از مشارکت سیاسی است که آن را ملازم با رقابت و دموکراسی، در چارچوب‌های دموکراتیک، رسمی و قانونی، دارای جریان منظم و کنترل شده، متضاد مفهوم اعتراض و خشونت، و امری ذاتاً مطلوب و وسیله‌ای برای رسیدن به بسیاری از اهداف متعالی مانند آزادی، عدالت و ثبات در نظر می‌گیرد. اما تلقی دوم، که معرف دیدگاهی نوین به موضوع مشارکت سیاسی می‌باشد، مشعر به الحاق اعتراض و حتی خشونت به فرایند مذکور بوده و آنها را مختص نظام‌های دموکراتیک نمی‌داند.

با توجه به آنچه گفته شد، در یک سنتز و تعریف کلی، می‌توان مشارکت سیاسی را چنین تعریف کرد؛ هرگونه فعالیت سیاسی داوطلبانه، مسالمت‌آمیز یا خشونت‌بار، فردی یا گروهی، سازمان‌یافته یا توده‌وار، در جهت انتخاب کردن، انتخاب‌شدن یا تأثیرگذاری، اصلاحی یا بنیادی، بر کارگزاران، فرایندها یا کلیت ساختار سیاسی حاکم. از این‌رو، مشارکت سیاسی می‌تواند در جهت حمایت از نظام سیاسی مسلط، یا در راستای تقابل با آن صورت بگیرد. بر این اساس و عطف به جهت‌گیری نسبت به نظام سیاسی حاکم، می‌توانیم دو نوع عمده از مشارکت سیاسی را از یکدیگر تمییز داد:

الف- مشارکت اثباتی: اقدامی مشروع، نهادمند، مسالمت‌آمیز، رسمی و پذیرفته‌شده از جانب نظام سیاسی حاکم، در چهارچوب‌های قانونی و در راستای تداوم حاکمیت. مقصود ما از مشارکت سیاسی اثباتی در این تحقیق، مشارکت انتخاباتی و به‌طور خاص میزان رأی‌دهی در انتخابات سراسری می‌باشد.

ب- مشارکت سلبی: مشارکتی خارج از چهارچوب‌های تعریف‌شده، غیرقانونی، غیررسمی، نامشروع، غیرنهادمند و بعضاً خشونت‌آمیز در جهت تقابل با حاکمیت (راش، ۱۳۷۷). مشارکت سلبی را در یک تعریف مقدماتی، می‌توان به‌عنوان هرگونه اقدام جمعی علیه صاحب‌منصبان سیاسی، رژیم سیاسی یا سیاست‌های آن در درون یک واحد سیاسی تعریف کرد که اشکال و صور گوناگونی دارد و در قالب اصطلاحاتی چون خشونت جمعی، اعتراض سیاسی، منازعه مدنی، بی‌ثباتی سیاسی، خشونت سیاسی، جنبش انقلابی و نظایر آن، قابل ردیابی و مطالعه است. این مفهوم، شامل مجموعه‌ای از اقدامات است که وجه مشترک تمامی آنها، استفاده واقعی از خشونت یا تهدید است (گار، ۱۳۷۹: ۲۴). البته در حال حاضر باید به این فهرست، اعتصابات و تظاهرات را نیز افزود؛ چرا که آنها نیز نوعی تقابل با حاکمیت تلقی می‌شوند.

۲-۲- تأثیر مذهب بر مشارکت

تصور بر این است که در جامعه‌ای که شهروندان مشارکت کافی در امور سیاسی ندارند، احساس تعهد و دلبستگی چندانی نیز به نظام سیاسی موجود نخواهند داشت و به عنوان نیروی حامی و مشروعیت بخش نظام در شرایط بحرانی عمل نخواهند کرد. مهمترین جلوه مشارکت سیاسی در ج.ا.ایران و نظام‌های مردمسالار، مشارکت رأی‌دهی و حضور در پای صندوق رأی است. رأی دادن، مؤثرترین و عملی‌ترین وسیله برای شهروندان است تا افکار، عقاید و مطلوب‌های خود را در

بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی در استان سیستان و بلوچستان (بررسی موردی: شهر زاهدان، خاش و سراوان)

اداره امور سیاسی و اجتماعی اعمال کنند. در ایران مشارکت سیاسی در شکل شرکت در انتخابات، اغلب بسیار مهم و حساس تلقی می‌شود. فرض ارتباط مستقیم میان میزان مشارکت مردم در انتخابات و مقبولیت و مشروعیت سیاسی نظام، سبب شده از تمهیدات لازم برای تشویق مشارکت آحاد گوناگون ملت برای مشارکت انتخاباتی استفاده شود. اطلاعات موجود درباره الگوهای مشارکت سیاسی و به ویژه مشارکت رأی دهی در ایران بسیار محدود است. این محدودیت ناشی از عدم انسجام در پژوهش‌ها و پیمایش‌های به عمل آمده، محرمانه و طبقه‌بندی شدن اطلاعات از سوی مراکز پژوهشی دولتی و عدم اهتمام در گردآوری مطالعات انجام شده در بانک‌های اطلاعاتی است. کمبود کار تحقیقی درباره رابطه دینداری و رفتار انتخاباتی در داخل کشور ضرورت و اهمیت درجه اول این تحقیق است. از سوی دیگر، بحث‌ها و تحقیقاتی در مورد اهمیت سیاسی دین صورت گرفته است؛ در همین باره برگر (۱۳۸۰) با تجدید نظر در نظریات قبلی خود در باب سکولاریسم، از افول آن صحبت می‌کند. وی عصر حاضر را عصر جهانی دین می‌نامد و می‌گوید نمی‌توان گفت ما در جهان دنیوی شده زندگی می‌کنیم و دنیا به جز چند پنداشت، پر از احساسات دینی است. برگر تأکید می‌کند از نقش و جایگاه دین در تحلیل مسائل جهان غفلت شده است. او نشان می‌دهد جهان امروز جهانی به شدت دینی است؛ بنابراین، نمی‌توان از نقش و اهمیت دین در تحلیل مسائل جهان که سیاست هم بخشی از آن است، غفلت کرد. همچنین، در سایه این بحث‌ها و نظریات پردازان و صاحبان اندیشه، تحقیقات بی‌شمار و بسیار جدی در این زمینه در خارج از کشور انجام شده است. با نگاهی به محتوای تحقیقات انجام شده نیز می‌توان به این نکته پی برد که در بیشتر آن‌ها دین و دینداری عوامل بسیار تأثیرگذار در رفتار سیاسی (مشارکت، رفتار رأی دهی و...) افراد و از متغیرهای قابل ملاحظه در تحقیقات مربوط به تحکیم دموکراسی است (بوش، ۱۹۹۶؛ کیم، ۲۰۰۶).

۲-۳- تأثیر قومیت بر مشارکت

ایران کشوری چند قومیتی است و برحسب دو عنصر شاخص مذهب و زبان، بین اقوام ایرانی تمایز وجود دارد و آن‌ها را به چند دسته تقسیم می‌کند. در این که موضوع اقوام و مسئله قومیت، یکی از مهم‌ترین مباحث و مسائل مطرح در ایران معاصر است، تردیدی نیست. در این راستا مهم‌ترین نکته در سیاست‌گذاری و مدیریت قومی، ایجاد توازن و سازش میان تعلقات ملی و قومی است. مشارکت مردم در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، یکی از مباحث مهم جامعه‌شناسی و علم

سیاست است؛ نظام‌های سیاسی بر پایه‌ی اعتماد عمومی و اراده‌ی مردم استوار می‌گردند و استمرار و اقتدار آن‌ها وابسته به مشارکت و دخالت مردم است (برزگر و همکاران، ۱۳۹۸: ۲). مطالعه آگ (۱۳۸۸) نشان داد که میزان تماشای برنامه‌های صدا و سیما با متغیر باورهای دینی مشترک-هویت ملی اجتماعی همزیستی مسالمت‌آمیز و رشد فرهنگ مشارکت اقوام رابطه مثبتی دارد. بنابراین به نظر می‌رسد انتخاب این شهر به عنوان جامعه مورد بررسی جهت مطالعه رابطه بین میزان هویت‌پذیری قومی و مشارکت‌پذیری سیاسی با مصرف رسانه‌ای، منطقی و درست باشد.

امروزه کشورها و ملل در حال توسعه، برای دستیابی به استانداردهای همه‌جانبه در کلیه شئون خویش، ناگزیر از اطلاع‌رسانی و به‌کارگیری وسایل ارتباط جمعی برای نیل به توسعه متوازن و همگون هستند. وسایل ارتباط جمعی با پوشش وسیع مخاطبان در جوامع انسانی، بیش از هر وسیله دیگری می‌توانند افکار عمومی را با نوآوری‌های جدید و مفاهیم لازمه توسعه آشنا سازد. بر این اساس، اطلاع‌رسانی صحیح و متناسب با مخاطبان برای ایجاد ارتباط مؤثر و تغییر رفتار آنان می‌تواند کارساز و کارگشا باشد.

با توجه به سیر تاریخی حکمرانی قومی، ملوک‌الطوایفی، حکومت‌های محلی و حکومت مرکزی مقتدر در سده‌های اخیر و همچنین عصیت‌های قومی و روابط خاص گرایانه و ده‌ها معیار دیگر، آن‌چه در تشکیل اجتماع ملی یا به تعبیر سیاسی تشکیل دولت-ملت ایران نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد؛ به عقیده برخی اندیشمندان حوزه اجتماعی، در این وضعیت خاص، رسالت رسانه‌های جمعی و اجتماعی به منظور قوی‌ترین ابزار ارتباطی در عصر حاضر، ایجاد همگرایی و تبلور راهبرد وحدت، مشارکت سیاسی در عین کثرت است. «ژان کازنو»، دانشمند علوم ارتباطات بر این باور است که اگر در خصوص همگرایی یک اتفاق نظر آگاهانه ایجاد شود، این امر یک همبستگی داوطلبانه در پی خواهد داشت و رسانه با تقویت کارکرد آگهی بخش خود می‌تواند در ایجاد انگیزه‌های همگرایی، در ساخت فرهنگ و افکار عمومی همسو، بسیار مفید ظاهر شود (آگ، ۱۳۸۹: ۱۷۰).

امروزه بسیاری موضوع هویت را رکن مهم شکل‌گیری شخصیت و رفتار انسان می‌دانند و تحقق در این رابطه را به منزله شناخت مبانی رفتاری و گرایشی افراد جامعه تلقی می‌کنند. از دید «فروم»، نیاز به احساس هویت، از شرایط هستی انسان سرچشمه می‌گیرد و منبع شدیدترین کوشش‌ها و

کشمکش‌ها است (شریفی، ۱۳۷۹: ۱۶). هویت در سطح فردی با مفاهیم اجتماعی تجلی می‌یابد؛ فرد به شناخت خود توسط دیگران و شناخت دیگران از طریق خویشتن می‌رسد. در واقع هویت اجتماعی نوعی شناخت فرد یا گروه از خود در ارتباط و مقایسه با دیگران در اجتماع است که مشخص می‌کند فرد یا گروه به لحاظ اجتماعی چه جایگاه و ویژگی‌هایی در مقایسه با دیگران دارد (ترنر، ۱۹۹۸: ۳۴). در کنار سایر عوامل تأثیرگذار بر هویت اجتماعی، رسانه‌های جمعی از اهمیت بالایی برخوردارند.

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر روش پیمایشی است. روش گردآوری اطلاعات میدانی بوده و از ابزار پرسشنامه استفاده گردیده است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر مشارکت‌کنندگان انتخاباتی سیستان و بلوچستان بوده و از فرمول کوکران برای تعیین نمونه‌ی آماری استفاده شد و نمونه‌گیری به شیوه‌ی تصادفی ساده صورت پذیرفت.

با توجه به جامعه‌ی آماری نامحدود تعداد نمونه‌ی آماری ۳۸۴ نفر می‌باشد. در این پژوهش با توجه به تعداد ۱۰ نفری متخصصین نمره‌گذار مقدار CVR برابر با ۰/۹۱ محاسبه شده که بسیار مناسب می‌باشد. همچنین کلیه گویه‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر شاخص CVI بالاتر از ۰/۸۰ داشته و مورد تأیید می‌باشند. در پژوهش حاضر از آماره‌ی آلفای کرونباخ استفاده شده و این آماره برابر ۰/۷۱ برای پرسشنامه پژوهش حاضر به دست آمد که نشان‌دهنده‌ی مناسب بودن پرسشنامه‌ی پژوهش حاضر می‌باشد. برای بررسی فرضیه‌ها مدل‌های رگرسیونی ذیل تخمین زده شد.

$$B = \alpha + B_1 + \varepsilon \quad (1)$$

$$B = \alpha + B_2 + \varepsilon \quad (2)$$

$$B = \alpha + B_3 + \varepsilon \quad (3)$$

که B_1 عوامل مذهبی، B_2 عوامل طایفه‌ای، B_3 عوامل قومی نژادی و B مشارکت سیاسی

می‌باشد.

۴- یافته‌های پژوهش

پس از بررسی عادی یا نرمال بودن کشیدگی و یا چولگی توزیع داده‌ها، از آزمون شاپیرو-ویلک یا آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده می‌شود تا از نرمال بودن داده‌ها اطمینان حاصل گردد.

جدول ۱: نتایج حاصل از آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف

گویه‌ها	ضریب بدست آمده	سطح معنی داری	نتیجه
عوامل مذهبی	۰/۰۳۱	۰/۶۵	تأیید نرمال بودن توزیع آماری
عوامل طایفه‌ای	۰/۰۵۱	۰/۱۹	تأیید نرمال بودن توزیع آماری
عوامل قومی نژادی	۰/۰۲۹	۰/۳۲	تأیید نرمال بودن توزیع آماری
مشارکت سیاسی	۰/۰۵۱	۰/۲۰	تأیید نرمال بودن توزیع آماری

با توجه به نتیجه بدست آمده نرمال بودن توزیع همه گویه‌ها مورد تأیید می‌باشد. در ادامه در جداول ذیل تخمین حداقل مربعات به ترتیب برای مدل‌های رگرسیونی آورده می‌شود.

جدول ۲: مدل اول

متغیر پاسخ = مشارکت سیاسی				
متغیرهای مستقل	ضرایب رگرسیونی	انحراف معیار	آماره آزمون t	سطح معناداری
ثابت معادله (α)	۱/۹۵	۰/۲۳	۸/۳۸	۰/۰۰۰
عوامل مذهبی	۰/۵۲	۰/۰۵	۹/۶۸	۰/۰۰۰
۰/۰۰۰ معناداری سطح $F = ۹۳/۸۴$ آزمون آماره				

بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی در استان سیستان و بلوچستان (بررسی موردی: شهر زاهدان، خاش و سراوان)

۲/۰۳ : واتسون دوربین = ۰/۳۹ = تعیین ضریب

از مدل اول نتیجه گیری می شود که عوامل مذهبی بر مشارکت سیاسی تأثیر دارد.
جدول ۳: مدل دوم

متغیر پاسخ = مشارکت سیاسی				
متغیرهای مستقل	ضرایب رگرسیونی	انحراف معیار	آماره آزمون t	سطح معناداری
ثابت معادله (α)	۱/۵۶	۰/۱۲	۱۲/۹۳	۰/۰۰۰
عوامل طایفه‌ای	۰/۶۰	۰/۰۲	۲۱/۸۶	۰/۰۰۰
= ۰/۰۰۰ معناداری سطح $F = ۴۷۷/۹۷$ آزمون آماره ۱/۸۷ : واتسون دوربین = ۰/۷۶ = تعیین ضریب				

از مدل دوم نتیجه گیری می شود که عوامل طایفه‌ای بر مشارکت سیاسی تأثیر دارد.
جدول ۳: مدل سوم

متغیر پاسخ = مشارکت سیاسی				
متغیرهای مستقل	ضرایب رگرسیونی	انحراف معیار	آماره آزمون t	سطح معناداری
ثابت معادله (α)	۱/۷۸	۰/۱۳	۱۳/۷۸	۰/۰۰۰
عوامل قومی نژادی	۰/۵۶	۰/۰۳	۱۸/۶۴	۰/۰۰۰
= ۰/۰۰۰ معناداری سطح $F = ۳۴۷/۶۲$ آزمون آماره ۲/۰۶۲ : واتسون دوربین = ۰/۷۰ = تعیین ضریب				

از تخمین مدل سوم نتایج حاصل می‌شود که عوامل قومی نژادی بر مشارکت سیاسی تأثیر دارد.

نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی در استان سیستان و بلوچستان (بررسی موردی: سه شهر زاهدان، خاش و سراوان) می‌باشد. نتایج نشان داد عوامل مذهبی، قومی و طایفه‌ای بر مشارکت سیاسی در استان سیستان و بلوچستان تأثیرگذار می‌باشند. عوامل مذهبی تأثیر بسزایی در افزایش مشارکت سیاسی در استان سیستان و بلوچستان دارد، همچنین یافته‌ها نشان داد که ارتباط مستقیمی بین عوامل مذهبی و مشارکت سیاسی وجود دارد. بر اساس این یافته‌ها، می‌توان انتظار داشت در جوامع مذهبی سنتی مثل استان سیستان و بلوچستان میزان مشارکت سیاسی از دیگر مناطق کشور بالاتر باشد، البته ناگفته پیداست که عوامل مذهبی صرفاً یکی از عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی در استان صدرا اشاره می‌باشد و تغییر آن در جامعه هم به صورت یکباره و در یک محدوده زمانی کوتاه اتفاق نمی‌افتد، با این وجود مذهب پیش‌بینی‌کننده مهمی برای رفتارهای سیاسی و مشارکت سیاسی است؛ زیرا بر اساس آموزه‌های دینی بر مسلمین لازم است در تشکیل جامعه اسلامی و تثبیت و استقرار آن همت ورزند و یکی از شئون اجتماعی شدن دخالت در امور سیاسی و کسب استقلال و به دست آوردن عزت و سیادت اجتماعی است. از این نکات سمت و سوی مشارکت سیاسی و جهت اصلی آن در جامعه اسلامی روشن می‌شود. همچنین عوامل قومی باعث افزایش مشارکت سیاسی در استان سیستان و بلوچستان می‌شوند. از سوی دیگر عوامل طایفه‌ای باعث افزایش مشارکت سیاسی در استان سیستان و بلوچستان می‌شوند. رفتار انتخاباتی مردم سیستان و بلوچستان به عنوان یک مؤلفه تأثیرگذار و تأثیرپذیر از عوامل مختلف در طول چهار دهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بر حول محور مشارکت حداکثری مردم شکل گرفته و تداوم خواهد داشت. به نظر می‌رسد مهمترین عامل اثرگذار بر رفتار انتخاباتی در ایران به‌ویژه سیستان و بلوچستان ارزش‌های دینی است چون جامعه ما با باورهای عمیقی رشد پیدا کرده و طبق این گزاره که تعیین سرنوشت و مشارکت فعالان در انتخاب کارگزاران اصلح‌تر از وظایف دینی مان محسوب می‌شود تصمیم‌گیری می‌کنیم.

در مجموع می‌توان بیان داشت که ارزش‌های آزادی و رقابت موجود در نظام اقتصادی سرمایه داری، در نظام سیاسی لیبرال دموکراسی نیز مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد که این باورهای دینی به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق ایجاد یک نظام اقتصادی، به ایجاد نوع خاصی از خرده نظام سیاسی مشتمل بر یک فرهنگ سیاسی ویژه نیز منجر شده است؛ فرهنگ سیاسی که شاید بتوان آن را یک فرهنگ سیاسی دموکراتیک نامید. به نظر وبر، مناسک‌گرایی دینی از اصول بسیار نیرومند محافظه‌کاری اجتماعی است. شرط دگرگونی‌های تاریخی جوامع گسستن از مناسک‌گرایی بوده است. بر اساس این فرضیه، کاهش مناسک‌گرایی دینی به فراهم آوردن زمینه برای پذیرش تغییرات در حیطه خرده نظام سیاسی منجر می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان چنین اظهار داشت که هرچه افراد از لحاظ دینی مناسک‌گراتر باشند، از لحاظ سیاسی محافظه کارتر خواهند بود.

بر اساس نظر «الکسی دو توکویل» دینداران می‌توانند دارای یک فرهنگ دموکراتیک باشند و یا برعکس، در برابر آن مقاومت کنند. وی با بررسی دو نظام اجتماعی در آمریکا و فرانسه نشان می‌دهد که چگونه روحیه دینی در آمریکا موفق به ایجاد یک نظام و فرهنگ سیاسی دموکراتیک شده است و چگونه این روحیه دینی در فرانسه در راه شکل‌گیری یک نظام و فرهنگ سیاسی دموکراتیک مانع ایجاد کرده است. در نهایت، می‌توان گفت افراد دیندارتر نسبت به کسانی که دینداری کمتری دارند، در انتخابات بیشتر مشارکت می‌کنند.

بر اساس نظریه جنگ‌های فرهنگی نیز اعتقادات و اعمال مذهبی، خود القاکننده ترجیحات سیاسی و حزبی مشخص هستند. کسانی که اعتقادات و اعمال دینی شدیدتر یا به عبارت دیگر دین‌داری قوی‌تری دارند، دیدگاه سنتی و بسته‌تری دارند؛ بنابراین محافظه‌کارانه رفتار می‌کنند، در انتخابات بیشتر مشارکت می‌کنند و به احزابی رأی می‌دهند که در این موضوعات با آنها هم عقیده هستند.

در مقابل، کسانی که دین‌داری ضعیف‌تری دارند، نسبت به موضوع‌های فرهنگی وابسته به انتخابات دیدگاه بازتر و مدرن‌تری دارند و غیرسنتی و یا آزادتر رفتار می‌کنند، در انتخابات کمتر مشارکت می‌کنند و به احزابی رأی می‌دهند که در این گونه مسائل غیرسنتی و یا آزادتر رفتار می‌کنند. چنان که گذشت نتایج تحقیق این استدلال نظری را تأیید می‌کند.

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

با توجه به نتایج اهمیت دادن به اقوام در مناطقی که همچنان آداب و رسوم قومی قبیله‌ای حاکم است می‌تواند راهکار مناسبی برای افزایش مشارکت در انتخابات باشد که اولاً در انتخابات‌های محلی همچون مجلس شورای اسلامی یا شوراهای شهر از همه‌ی اقوام مختلف نمایندگان کاندید شوند و در ثانی در انتخابات‌هایی همچون ریاست جمهوری به اقوام اهمیت داده شده و توسط خود فرد کاندید یا نمایندگان بالا رتبه‌ی وی به مناطق سکونت اقوام عزیمت شده و به بررسی مشکلات و ارائه‌ی راهکار و ارتباطات مردمی پرداخته شود.

منابع و مآخذ

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران. تهران؛ نشر نی.
- اکبری، حسین و فخاری، روح اله. (۱۳۹۶). نقش قومیت در رفتار انتخاباتی اجتماعات چندقومیتی (مورد مطالعه: شهرستان بجنورد). جامعه شناسی کاربردی، ۲۸ (۲)، ۷۱-۹۰.
- برزگر، نصرت. لطفی، حیدر. حسن آبادی، داود و رضویان، محمد تقی. (۱۳۹۸). نقش سیاست‌های قومی و مذهبی در مشارکت اقوام در امنیت، توسعه همه جانبه و همگرایی با تأکید بر ترکمن‌های شمال و شمال شرق ایران. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۹ (۲)، ۴۳۳-۴۵۵.
- بصیری، محمدعلی و شادی‌وند، داریوش. (۱۳۸۰). رفتار انتخاباتی در جوامع مبتنی بر فرهنگ عشیره‌ای مطالعه موردی حوزه انتخابیه دهلران. مجله راهبرد، ۲ (۱۶۷)، ۱۹۷-۱۹۰.
- بهراری، محمدرضا. (۱۳۷۸). زبان‌شناسی عملی، بررسی گویش مردم سیستان. زاهدان؛ ناشر نامشخص
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۴). شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی. تأمین اجتماعی، ۱ (۱)، ۱۸۰-۱۹۱.
- صمدی، مهران و شاه‌محمدی، شورش. (۱۳۹۷). مطالعه رابطه بین میزان هویت‌پذیری قومی و مشارکت‌پذیری سیاسی با مصرف رسانه‌ای شهروندان ارومیه. مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۰ (۳۹)، ۴۳-۵۸.
- فردرو، محسن و رضوانی، اصغر. (۱۳۸۱). دولت، مردم و همگرایی. تهران؛ نشر آن
- کریم زاده، مجید. فیاضی، مهرناز و میرکازه‌ی ریگی، فائزه. (۱۳۹۵). موانع مشارکت زنان بلوچ در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، زن و فرهنگ، ۸ (۳۰)، ۵۹-۷۳.

بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی در استان سیستان و بلوچستان (بررسی موردی: شهر زاهدان، خاش و سراوان)

مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۵). مشارکت انتخاباتی اقوام در ایران، بررسی موردی: انتخابات ریاست جمهوری.

مطالعات ملی، ۷ (۴)، ۸۳-۱۰۸.

موسوی، میرنجف و اسماعیل زاده، خالد. (۱۳۹۴). تحلیلی بر سیاست‌های قومی و مشارکت سیاسی اقوام

ایرانی با تأکید بر جامعه گُرد ایران. هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران هم‌دلی اقوام ایرانی انسجام

و اقتدار ملی، سندج.